

ورقه اخذ رأی شود قرائت میشود بعد باورقه رأی می گیریم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

ما امضاء کنندگان ذیل چون موضوع پیشنهادی را که مطرح شده است مهتم دانسته و بعلاوه در رأی قیام و قعود امتناع کنندگان معلوم نمیشود لذا پیشنهادی کنیم که باورقه رأی گرفته شود.

قوام الدوله . امین التجار . آقا میرزا ابراهیم قمی . مساوات . و کیل الملك رئیس - این هم شرحی است که آقای سلیمان میرزا نوشته اند.

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

چون در ضمن مذاکرات صحبتی از اقلیت و نظریه ایشان شد این است که اجازه می خواهم رأی رفتار را که در این موضوع آزاد گذاشته شده است و بنده شخصاً متمتع هستم و علت امتناع بنده هم این است که هیئت دولتی حاضر نیست که رأی خود را با دلایل پیشرفت بگوید تا نمایندگان از روی اطلاع کامل رأی بدهند و بعلاوه دیده ایم قوانینی که با حضور دولت گذشته دولت های بعد اوراق عملی ندانسته و بواسطه ماده واحده موقوف الاجراء گذاشته قمار که دولت حاضر نیست ممکن است دولت در آتیه دچار مشکلاتی شده و باز مبتلا بماده واحده شویم باین دلیل بنده متمتع هستم.

(سلیمان محسن)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - دیگر موردی برای اجازه باقی نمی ماند چون آن مطلبی را که می خواستم عرض کنم خواندند و حالا هم اگر اجازه میفرمائید دو مرتبه تکرار کنم این است که همینطور که آقایان اعضاء هیئت متعده عقیده شان در این قضیه از او است در قسمت ما هم این مسئله آزاد است و هر کس مطابق عقیده خودش اظهارات خود را می کند و متکی بعقیده عموم نیست و بنده هم که متمتع هستم موقع را مقتضای می شمارم و علت امتناع خود را عرض می کنم و آن نبودن هیئت دولت است در مجلس زیرا ما دیده ایم قوانینی که سابقاً از مجلس گذشته و دولت هم بوده وقتی آن دولت از کار افتاده و دولت دیگری روی کار آمده است تازه اشکالات عجیب و غریبی که مملی نیست و فلان و فلان است تولید می کند پس امروز که یک اکثریت شصت و پنج نفره که بنده جزو آن نیستم به یک هیئت دولتی رأی داده و اظهار اعتماد کرده و آن دولت اینجا نیست نمی توانیم رأی بدهیم زیرا رأی قوه مجریه را نمی دانم چیست این است که در پیشنهاد اولی که رأی گرفته شد چون با قیام و قعود رأی گرفته میشود و شخص امتناع

کننده معلوم نمیشود از مجلس خارج شدم و بعد هم تقاضا کردم علت امتناع خود را در این پیشنهاد عرض کنم

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد اولی که ماده اول قانون سابق را بنحویکه قرائت شد تغییر میدهد آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه کبود خواهند داد

اخذ واستخراج آراء بعمل آمد و نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید

عده حضار ۷۴ نفر

ورقه سفید علامت قبول ۵۴

ورقه کبود ۳

امتناع ۱۷

رئیس - عده حضار ۷۳ و با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد

آقا سید یعقوب - سؤالی دارم اجازه می فرمائید.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خواستم عده امتناعیون را سؤال کنم زیرا عده در مجلس بیش از این عده هستند که رأی داده اند لابد بعضی هستند که اصلاً ورقه ندادند

رئیس - اشخاصی که امتناع کرده اند هفده نفرند.

(اسامی تصویب کنندگان)

آقایان - آصف الملك . امیر ناصر . نصیر السلطنه . میرزا علی سکا زرانی . نصرت الدوله . محمد هاشم میرزا . آقا سید محمد باقر دست غیب . عمید الممالک . آقا سید یعقوب . قوام الدوله . بیان الملك . میرزا شهاب الدین . از باب کیخسرو . سید حسینخان بلوچ . منتصر الملك . حاج میرزا اسداله خان . رکن الملك . رئیس التجار آقای تدین . صدرائی . حاج شیخ اسدالله شیخ الاسلام ملایری . مستشار السلطنه . رفعت الدوله . ناظم دفتر . عماد السلطنه خراسانی . شیخ المراقین زاده . لسان الملك آقا میرزا هاشم آشتیانی . حاج میرزا تقی خان نائینی . سالار معظم . آقا سید فاضل سردار معظم کردستانی . شیخ الاسلام اصفهانی . نصیر دیوان . حاج مخبر السلطنه صدر الاسلام ابهری . فتح الدوله . فهم الملك حاج میرزا مرتضی . محقق الملامه . حاج شیخ محمد حسن کروی . میرزا ابراهیم خان ملک آرائی . وقار الملك . نظام الدوله بیان الدوله . احتشام الدوله . محمد ولی میرزا آقا سید محمد تقی طباطبائی . شریعتمدار کرمانی . سهام السلطان . امین الشریعه آقای مدرس . دکتر لقمان (اسامی رد کنندگان)

آقایان حاج امین التجار . ملک الشمره اقبال السلطان.

رئیس - جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز سه شنبه چهار ساعت بظهر مانده

دستور هم مسئله از زیاد حق المهور راه طهران به دماوند خواهد بود آقای زنجانی .

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده و آقای مساوات از عضویت کمیسیون بودجه استعفا کرده ایم بفرمائید عوض ما دو نفر را انتخاب نمایند.

رئیس - در جلسه دیگر استعفا نامه قرائت میشود اگر بنا شد انتخاب می کنند.

مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد (موتن الملك)

جلسه صد و سوم
صورت مشروح مجلس یوم
سه شنبه شانزدهم شوال
۱۳۴۰ مطابق بیست و سوم
جوزا ۱۳۰۱

مجلس سه ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای موتن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه بیستم جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - می خواستم عرض کنم که اسامی رأی دهندگان خوانده شود حالا که خوانده شد دیگر عرضی ندارم

رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس ایرادی نباشد؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد و دو فقره راپورت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است؛ یکی راجع بمرخصی دو ماه و نیم بجهت آقای سلطان المراء و دیگری مرخصی یک ماهه برای آقای امیر ناصر است که کمیسیون تصویب کرده و باید رأی گرفته شود

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته آقایانی که مشغول وظائف نمایندگی هستند بنده یقین دارم انجام وظائف نمایندگی را بر سایر کارهای شخصی ترجیح می دهند و البته تا برای انجام کاری در کمال اضطراب و حسرت نباشند مرخصی نخواهند خواست ولی بنده اخیراً می بینم که آقایان اجازه می گیرند و مثل اعتبار تجارتخانه هادر جیبشان می گذارند و تشریف نمی برند

اگر این اجازه برای یک کار ضروری است که واجب تر از انجام تکالیف نمایندگی و حقوق اهالی است پس چرا تشریف نمی برند؟

اگر برای تفنن است و اجازه را در

جیبشان می گذارند تا هر وقت هوا گرم شد یا کاری پیدا شد از آن استفاده کنند بنده این را نمی پسندم و عقیده ام این است از همان موقعی که مرخصی بجهت آقایان تصویب می شود از همان وقت محسوب شود و اگر از همان روز تشریف نبرند بعد از انقضاء مدت آن اجازه باطل شود و اگر اینطور نباشد یعنی از همان روزیکه مرخصی تصویب می شود تشریف نبرند چیز غریبی است و بنده مخالفم

بهر جهت گمان می کنم دو چیز باعث می شود که آقایان برای مرخصی تحصیل اجازه می نمایند

یکی اینکه هر روز در دوسه اعمال آنان نوشته نشود و در صورت مجلس خوانده نشود غایب بدون اجازه موکلین آنها بداند این شخصی را که انتخاب کرده اند یک کار ضروری برای او اتفاق افتاده است و بدون جهت غایب نشده است

این یک سبب است یک سبب دیگر این است که خجالت می کشم عرض کنم و آن استفاده از حقوق و کالتی است که بنده برای انجام کار شخصی یا عمومی با هر چه است اجازه مرخصی بگیرم که هم بروم آن کار را انجام دهم و از ماهی دوست تومان حقوق و کالتی استفاده کنم و بنده با این مسئله کاملاً مخالفم زیرا با این فقره وفای مملکت و با اینکه همیشه از کسر بودجه مملکت شکایت داریم و بعلاوه آقایانی که اجازه مرخصی می گیرند و عقب کاری می روند البته آن کاری باندازه حقوق و کالت برای آنها ارزش دارد در این صورت خوب است وقتی مرخصی داده می شود بدون حقوق باشد هر چند که این حقوق کم است ولی باید تا این اندازه هم ملاحظه بودجه را کرده که ببودجه مملکت ضرر وارد نیاید و بنده ممکن است با قید این دو شرط با اجازه نامه موافقت کنم

یکی اینکه بی حقوق باشد یعنی در موقع مرخصی حقوق نگیرند و یکی این که آن مرخصی از موقعی که اجازه داده می شود حساب شود نه از موقع حرکت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب از طرف کمیسیون می خواهند صحبت کنند؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - گرچه حق آقای مغیر بود که از حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا سؤال کنند چرا در یک موضوعهائی که هیچ مداخلت بمسئله ندارد وارد میشود؟ آقا تقصیر وکیل چیست؟ تمام وزارتخانه ها و ادارات مرخصی دارند . تقصیر وکیل چیست که مرخصی نداشته باشد نمی دانم حضرت والا ناچاره اندازه میخواهند فشار بر و کلاه

وارد بیاورند درموقعی که تمام جرایم فریاد
میزنند اختصاص دادن نقط شمال
باستانداران و اول اسباب ضرر مملکت است حضرت
والا امتناع می کنند.

سلیمان میرزا - این چه مناسبت
دارد ؟

آقاسید یعقوب - اگر میخواهد
حرف بزند اجازه بگیرد .

رئیس - از موضوع خارج نشوید
آقاسید یعقوب - آخر تقصیر
و کیل چیست ؟ و کیل بیچاره چه گناه کرده ؟
و کیل یس از آنکه یکسال تمام در
کمسیونها خدمت کرده و زحمت کشیده
حالا می خواهد مرخصی بگیرد شما مخالفت
می فرمائید (من می دانم نظر شاه به شاهزاده
این من نبودند) من نمیدانم این
مرتبه چه تقصیر کرده ایم که وکیل شده ایم
و متصل حضرت والا با محامله میاورند گاهی
از بالا تا پایین را بادست اشاره میکنند و
مارا نماینده اعیان و اشراف خطاب میکنند
و میگویند شما طرفدار فقرا نیستند و تنها
خودشان را طرفدار فقر امیدانند گاهی می
گویند چون وکیل شده اید باید از حقوق
خودتان محروم بمانید و درموقع مرخصی
حقوق نگیرید در صورتی که همه بدانند
حقوق و کلا ماه بامه ندرتیرسد و آلان هفت
ماه است که بیک نفر صبحکرم الله گفته نشده
است و پولی در کار نبوده است بعلاوه وقتی
وکیل اجازه می گیرید و ببینید بحران
پیش آمده است برای خدمت موکلین خود
برخصمی نمیرود تا بحران مرتفع شود آن
وقت میروید اینکه شما میفرمائید من مخالف
هستم مگر شما باو کلا عهد دارید ؟ اگرچه
گمان نمیکنم با کسی دشمنی داشته باشید
یس خوبست. مخالفت خودتان را پس
بگیرید .

رئیس - آقای امیر ناصر
(اجازه)

امیر ناصر - بنده تقریباً مدت چهار
سال در نتیجه اقدامات شاهزاده سلیمان میرزا
و جمعی دیگر از وطن اواره شده و قریب يك
کرور دارائی خود را در راه مملکت بذل
نمودم و دومرتبه خانه من خانه دوست ساله
خانواده من در نتیجه همان عملیات بقرارت
روسها رفت و این مسئله را نام افراد این
مملکت میدانند و درازاء ان همه خسارات و
زحمات از کسی عوض و نتیجه تقاضا نکردم
امروز پس از چند سال آوارگی و آن همه
زحمات و خسارات که ببینده و خانواده بنده
وارد شده تقاضا کرده ام یکماه مرخصی به
بنده داده شود که بروم و بیچاره مرزعه خرابه که
وسيله معاش من است سر کشی نمایم
حالا حضرت والا می فرمایند مشروطیت این است
که از حقوق استفاده نکنند کسی که از بذل يك
کرور اموال خودش مضایقه نداشته و با کمال

اقتضای و سر بلندی بذل نموده است البته از
بذل دوست تومان مضایقه نخواهد داشت
خوب حضرت والا این مسئله را در باره
اشخاص نفرمائید که شایسته و مناسبت
دارد و نه در باره کسانی که با کمال اقتدار در
مملکت زندگانی کرده و مدت عمرشان را
مفتخر آبیان رسانده اند و خانواده آنها
هم در مدتی که تاریخ نشان میدهد نسبت
بمملکت خائن نبوده اند بنده بیش از این عرض
نمی کنم

رئیس - گمان میکنم این مسئله
بیش از این مذاکره لازم نداشته باشد

محمد هاشم میرزا - اجازه می
فرمایند بنده از خودم دفاع کنم
رئیس - مرسوم نبود است برای این
جزئی مطالب اقتدارها مذاکره شده
محمد هاشم میرزا - آخر به
انسان نیش میزند و تو همین مینماید
دارم

رئیس - بسیار خوب بفرمائید آقای
محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده
عرض میکنم که در آن موقع کارهای شخصی
بنده چقدر دردم برهرم بود و چه شدت مجبور
بودم حرکت کنم ؟ ولی چون بحران پیش
آمد با هر عجله که برفتن داشتم انجام کار
و کالتی و ماندن این چاره بهتر از کار عادی
دانستم حالا اگر این گناهی است که از
بنده ناشی شده که مسائل مملکتی را بر کار
های شخصی مقدم داشته اند خوب است
هفو بفرمائید .

بعلاوه اگر این مسئله که فرمودند
ساده بود و از آقای مستوفی الممالک که در
صورتیکه سالی پانزده هزار تومان میگیرند
و از حقوق و کالتی هم استفاده می کنند می-
یرسیدند چرا مجلس حاضر نمیشوند آنوقت
از این سرصوموی خود نمی رنجیدم اگر بنده
در یکسال دوماه از حقوق استفاده کردم
ایشان که سالی دوازده ماه استفاده مینمایند
و هر روز در صورت مجلس نوشته می شود
قالب بدون اجازه خوبست طهرانیها و شاه
زاده سلیمان میرزا ایشان را تنقید نماید که
سالی پانزده هزار تومان می گیرند و راه
میروند ولی نظر باینکه حضرت والا ایشان
دوست نیستند نسبت با ایشان اظهار میفرمائید
یک نفر از نمایندگان - مذاکرات
کافی است

رئیس - بنده هم عرض کردم گویا
مذاکرات کفافی باشد اگر بخواهید
مذاکره کنید تقریباً پانزده نفر اجازه
خواسته اند

سلیمان میرزا - بنده حق توضیح
دارم چون آقایان مطالب بنده را طور دیگر

تفسیر فرمودند
رئیس - سایرین هم می خواهند
توضیح بدهند .

مدرس - رأی بگیرد
رئیس - آقایانی که مذاکرات را
کافی میدانند قیام فرمایند
اغلب نمایندگان - قیام نمودند

رئیس - معلوم می شود کافی
است - رای می گیریم به رایورت که بیسیون
عرایض و مرخصی . آقایانیکه دو ماه و نیم
مرخصی آقای سلطان العلماء را تصویب می
کنند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد رای و مکیریم
بمرخصی یکماه آقای امیر ناصر آقایانیکه
تصویب میکنند قیام فرمایند
(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ولی چنانچه
گفته شد مرخصی از موقع تصویب محسوب
می شود .

(جمعی گفتند صحیح است)
محمد هاشم میرزا - خیر بر ایورت
کمسیون عرایض و مرخصی رای داده ایم
هر طور اینجا نوشته است صحیح است

رئیس - در رایورت از روز حرکت
نوشته شده است لایحه حق العیور در طهران
بمعاون مطرح است

آقای منتصر الملک شرح ذیل
قرائت نمودند

کمسیون قوانین مالی لایحه وزارت
یست و تلگراف راجع به حق العیوریکه باید
درداه تهران بدمانند از وسائط نقلیه اخذ
شود مطرح شود و قرار داده و بترتیب ذیل آن
را اصلاح نموده بعرض مجلس میرساند
ماده اول - مجلس شورای ملی اخذ
حق العیور از وسائط نقلیه و معمولات ادر
راه شوسه از طهران الی دماوند بتفصیل ذیل
بصوب می نماید :

اسب و شتر باردار با مسافر سوار از
طهران بچراچرود دوازده شاهی
رئیس - قرائتش لازم نیست طبع
و توزیع شده است مذاکرات در کلیات است
آقای سلطان العلماء
(اجازه)

سلطان العلماء - بنده برای
توجه خاطر مبارک آقایان نمایندگان
محترم لازم است باک مطلبی را بعرض برسانم
البته خاطر مبارک آقایان بعبوی مستحضر
است که سعادت و ترقی و حیات سیاسی
هر ملت و مملکتی بسته است به اصلاح طرق
و شوارع آن مملکت و تاراهای مملکت
اصلاح نشود وسیله ثروت برای آن مملکت
فراهم نمیشود بنده این راه دماوند را زنگنه
ولی راه عراق را که زنگنه بطور مثل عرض
میکم .

در چندی قبل در آن راه بعنوان راه
هرستان يك بلیطی داده می شد و يك وجهی
بعنوان حق العیور گرفته میشد يك مقدار از
راه هم شوسه بود .

مثلا ازهر شتری بکفران و ازهر مسافر
بیاده ده شاهی می گرفتند مردم اعتراض
داشتند و می گفتند چه باعث شده است در
صورتی که تمام راه شوسه نیست این مقدار
پول می گیرند و بعضی با اینکه مسافرت
کرده اند در دماوند از اینجا تا عربستان ازهر
دستگاه شایه سی الی سی و دو تومان حق
العیور می گیرند در صورتی که آقایانی که
به اروپا تشریف برده اند می دانند اشخاصی
که می خواهند مسافت های طولانی تر از
این راه را به بیمایند و به ماشین سوار میشوند
کلیه خرج راه آنها کمتر از این مبلغ می
شود بعلاوه در این لایحه می نویسند از
فلان نقطه تا فلان نقطه باید
فلان مبلغ را بعنوان حق العیور بدهند .
در صورتی که در قانون نو اقل حقوق نواقل
را از شهری شهری معین کرده بودند يك
مثل ساده می زنم .
مثلا بیکبار برنج که از مازندران بار
می شود باین ترتیب که در این لایحه نوشته
شده اگر بخواهند از او حق العیور و حق
نواقل و غیره بگیرند مبلغ کزانی تا اینجا
خرج برمی دارد البته آقایان تصدیق می-
فرمایند که اساس هر سلطنت و هر دولتی برای
ترقیه و ترضیه حال فقر است و در سایر نقاط
بوسیله تأسیس کارخانجات و غیره اسباب
رفاه حال مردم را فراهم می سازند حالا که
متاسفانه آن وسائل را نداریم خوبست اتلا
اسباب فشار اهالی را فراهم نیآوریم و راست
است که این مبلغ جزئی است ولی جزئیات
هم که جمع شود گلی می شود بلی تصدیق
می کنم که این مسئله بحال دولت صرفه دارد
ولی از آن طرف می بینیم که از کلیات صرفه
حاصل دولت نمیشود و حیف و میل می شود
چه رسد باین جزئیات بهر جهت در این
لایحه جز اسباب ترضیه و رفاه قرا و ما برین
چیز دیگری یافت نمی شود عقیده بنده این
است اگر هم می خواهند این قانون را وضع
کنند فقط يك محل را برای اخذ حق العیور
معین کنند مثلا کسی که خواست از دماوند
عبور کند فلان مبلغ بدهد والا این ترتیب
که از کجا به کجا چه قدر و از کجا به کجا
چه قدر باید بدهد اسباب زحمت فقر را برین
شده و صرفه هم بحال دولت نخواهد داشت
و بنده چون عضو کمسیون قوانین مالیه
هستم و درموقعی که این لایحه به کمسیون
آمده بود بنده مرخصی گرفته بودم و حاضر
نبودم ناچار عقاید خود را در مجلس بعرض
آقایان رسانیدم .

رئیس - آقای زنجانی موافق هستید
یا مخالف ؟

آقاشیخ ابراهیم زنجانی -
بنده با حال حاضر این لایحه مخالفم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو
چطور ؟

ارباب کیخسرو - بنده
مخالفم .

رئیس - آقای سدید الملک
موافقت ؟

سدید الملک - بنده با طرز جریانش
مخالفم .

رئیس - طرز جریانش نوشته نشده
آقای عماد السلطنه خراسانی موافقت
یا مخالف ؟

عماد السلطنه - مخالفم

رئیس - آقای سردار مخفم
چطور ؟

سردار مخفم - مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
مخالفند ؟

حاج میرزا مرتضی - بلی بنده
هم مخالفم

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - بنده از حیث نقایصی که در این
لایحه هست با آن مخالفم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقاسید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - بفرمائید .

آقاسید یعقوب - اگر چه بنده ادله
مخالفین را نشنیده ام ولی چیزی که آقای
سلطان العلماء بیان کردند بنده نمی دانم
ایشان با راه سازی مخالفت دارند ؟ با اینکه
راه باید شوسه شود و وسائل تسهیل حمل
و نقل فراهم شود مخالفت دارند ؟ این که
نمی شود برای این که وقتی راه شوسه شده
و وسائل حمل و نقل آسان شده البته برای
مملکت بهتر است راه سازی اسباب آسایش
مملکت است

راه آهن و کارخانجات اسباب ترقیه حال
ملت و مملکت است پس با راه سازی
به چه وجه نمیشود مخالفت کرد و یقین دارم
مخالفتی که آقای سلطان العلماء دارند
از حیث راه سازی نیست و گمان میکنم با
گرفتن حق العیور مخالفت داشته باشند این
هم که قابل مخالفت نیست زیرا دولت خزانه
مخصوص ندارد و وقت اینکار بکنند و هیچ
پول نگیرد بنده که چنین صندوق و خزانه
سراغ ندارم دولت با خودش بابتوسطیک
کمیانی راه رامیسازد که پس از ساخته شدن
راه و سهل شدن عبور و مرور عابرین از
آنها وجهی اخذ کند و تا پول هم بگیرند
حالا اگر این نظر نباشد یعنی آن پولی
که گرفته می شود در راه ترقیه و ترضیه
الاعفای یرت میشد و هر سال مبلغا خسارت
و تلفات مالی و جانی وارد میامد و حالا
که راه ساخته شده و جاده صاف شده
و مکاری یا غیره با کمال سهولت عبور و
مرور میکنند البته باید يك سختی بدهد والا

باز راه خراب میشود و همان حال اول را
بیدامیکند این يك رسمی است که در تمام
دنیا معمول است چرا باید ایران مادر همه
چیز برخلاف سایر دنیا باشد ؟ اما اینکه
می فرمائید چرا در این راه در نقاط مختلف
پول میگیرند ؟ عرض میکنم برای این است که
مسافر مختلف است مسافرات از اینجا
تاجا رود مسافر است از اینجا تا بوهمن یا
ز اینجا تا دماوند هر کدام از این نقاط
چند فرسخ باهم تفاوت دارند از اینجا تا
دماوند ده فرسخ است و این ده فرسخ را
بسه قسمت کرده اند و مسافرین در هر يك
از این نقاط باید حق العیور بدهند و حق العیور
آنها هم مختلف است

البته وقتی راه شوسه شد و عبور و مرور
سهل شد مسافرین خودشان بارضا و رغبت
این جزئی پول را میدهند و چون مسافرین
مختلف هستند اگر بخواهیم بگوئیم هر کس
از اینجا بدمانود رفت باید این پول را بدهد
نمیشود برای اینکه بعضی ها میخواهند از
از اینجا بچراچرود بروند و بعضی ها میخواهند
از اینجا به بوهمن بروند اگر اینطور باشد
باید آنها چیزی ندهند اگر هم بفرمایند
این پول زیاد است باز هم عرض میکنم خبر
زیادی نیست منتهی باید سعی کرد که این
پول در راه خودش خرج شود

یعنی برای تعمیر راه مصرف شود البته مجلس
شورای ملی بیشتر باید ناظر اعمال وزارت
خانه ها و این قبیل کارها باشد (چنانچه
هست و پولی که بدست می آید سعی کند
که در راه خودش بصرف برسد والا راه
دیگری برای آبادی نداریم

رئیس - آقای زنجانی
(اجازه)

آقاشیخ ابراهیم زنجانی -
اساساً مالیات با هر وجهی که از مردم گرفته
میشود برای این است که آن شخص که معبر
آن کار است و اختیار آن پول با او است آن پول را
رقاهیت و صلاح عموم مصرف کند نه اینکه
آن پول را متعلق بفرودش بدهاند اساساً
پولی که می دهد برای رفاقت و آسایش خودش
می دهد نهایت این است که بدست یک نفر
رئیس می سیارد و می گوید این پول را برای
آسایش و رفاه من خرج کن مالیات یا هر
وجهی که در ایامی دهند برای آسایش عمومی
و برای حفظ حدود استقلال و امنیت مملکت
می دهند مثلا در این راه دماوند حق العیور
می دهند برای این است که راه ساخته شود
و اسباب تسهیل عبور و مرور فراهم آید
حالا اگر این نظر نباشد یعنی آن پولی
که گرفته می شود در راه ترقیه و ترضیه
الاعفای یرت میشود و هر سال مبلغا خسارت
و تلفات مالی و جانی وارد میامد و حالا
که راه ساخته شده و جاده صاف شده
و مکاری یا غیره با کمال سهولت عبور و
مرور میکنند البته باید يك سختی بدهد والا

تو خرج نمی کنم این جزیه است و مالیات
نیست یا اینکه مثلا از ولایات بگیرند و
بیاورند اینجا شهریه بدهند و در منافع اهالی
خرج نکنند این خیلی بد است اگر حقیقتاً
راه آباد شود و روندگان و آبندهگان
آسوده باشند این بهترین چیزها است ای
کاش در تمام ایران اینطور بشود کرد
حاضر بما وارد آمده است انسانها حیوان
ها در این راه تلف شده اند بازم راه ها
اصلاح نشده است البته اگر يك دفعه خرج
شود و راه ساخته شود که مسافرین آسوده
باشند خیلی خوب است حالا در این لایحه
نوشته شده است چون مبلغی را سابق می
گرفته اند برای تعمیر و سایر مخارج راه
کفاف نمی داده است با این ملاحظه مقداری
بر آن افزوده شده است بلی اگر بنده مسلماً
و یقیناً بدانم این طور که نوشته شده صحیح
است و این پولی که گرفته می شود حقیقتاً
برای آباد نگاهداشتن راه مصرف
می شود غرض و مخالفت نمی کنم
ولی باید دید که در سال گذشته بعنوان
حق العیور در این راه چقدر اخذ شده و
چقدر خرج شده ؟ از این پولیکه سال
گذشته گرفته اند کجا را ساخته اند ؟ و
کدام معمار و مهندس در این راه کار کرده ؟
و بواسطه کسر پول کدام نقطه اش خراب
و ناقص مانده است کمی گویند چون کار
تمام نشده برای اتمام کار این اضافه را
را پیشنهاد کرده ایم این اضافه را برای
آنجا مصرف خواهیم کرد و مردم را در
رقابت نگاه خواهیم داشت اگر اینطور
باشد جای مخالفت نیست و البته کسانی
هم کمی آید و میروند پول می دهند برای
اینکه در رفاقت هستند و لکن من نمیدانم
سال گذشته چقدر گرفته شده چقدر تعمیرات
شده و چقدر از تعمیرات باقی مانده و می ترسم
وقتی تصویب کنیم مثل بکراه داری بشود
یعنی از مردم بگیرند و راه هم درست نشود
لذا همه آقایان مرض می کنم که اگر کسی
اطلاع دارد که پارسال چقدر گرفته اند و
چقدر خرج کرده اند و چقدر از تعمیرات
باقیمانده که برای تکمیل آن این اضافه را
لازم دارند برای بنده توضیح بدهند آن
وقت بنده رأی میدهم و چون بنده تربیت
را نمیدانم خوب است توضیح بفرمایند

**معاون وزارت پست و
تلگراف** - در سنه ۱۲۹۴ اداره پست
لارم دانست این راه را دائر نماید برای
اینکه علاوه بر اینکه ساختن این راه و
پلهای این راه مفید است به آلمان برای
راه مازندران و هم چنین از برای راه فیروز
کوه و سمنان هم مفید است بنابراین هر قدر
با وزارت فوائد عامه مکاتبات کردند بپول
نداشتند یا اختیار نداشتند این راه را اصلاح
کنند تا بالاخره اداره پست اجازه ساختن

آن را تحصیل نموده و در سرطان ۱۲۹۵
شروع باین کار نمودند و در حمل ۱۲۹۶
تمام شد آقایانیکه بدمانند تشریف برده
اند البته تددیق خواهد فرمود که
یکی از راه های ضرب راه دماوند است
و پلهائیکه در آن راه ساخته شده است
خیلی خوب ساخته شده و مصالح خوب در
آنجا حکار کرده اند و تمام با آجر و اهک
ساخته شده است و ماست مالی نکرده اند
بعد این راه شروع کرد بکار کردن در
سال اول چهار هزار تومان عیدی داد و
سال بعد رسید بیست هزار تومان و همین
طور ترقی کرد تا در سال تحاقوی نیل که
هابدات این راه چهارده هزار تومان رسید
يك مهندس هم مخصوص باین راه است
که مسیودا هر است که در وزارت فوائد
هابدات و دائماً در سر این راه هست و معلوم
است این راه يك غده اجزائی برای گرفتن
در موقع زمستان با مال پست را می برند
و در تابستان با گاری و امسال چون دیدند
مسافر زیاد نیست با مال پست را حرکت
می دهند و اما اینکه می فرمایند
چهمبلغ برای این راه خرج شده است
مرض می کنم اساساً قریب پنجاه هزار
تومان در این راه خرج شده است و در سال
های بعد هم برسانی ۴ هزار تومان صرف
نمیر راه شده است

اما چون بعضی از آقایان مذاکره
میشوند این لایحه راجع براه است
و باید از طرف وزارت فوائد عامه تقدیم
شود وزارت پست و تلگراف هم مخالفتی
ندارد ولی اگر در دست اداره پست باشد
بهتر اداره می شود و همان طور ملاحظه
فرمودید وزارت فوائد عامه نتوانسته است
راه های دیگر راهم اداره کند بعلاوه
اداره پست در این راه يك مخارجی کرده
است و مجبور هم شده است این خرج را
بکند ولی چون تصویب نامه صادر شده
است که اداره پست این راه را بسازد و
خودش هابدات آن را بردارد و اگر به
خواهند این راه بوزارت فوائد عامه بر گردد
البته باید يك قرارداد دادی در باب مخارجی که
اداره پست کرده است بدهند آن وقت
وزارت فوائد عامه منتقل می شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده استدعای
کنم آقایان عرایض بنده را بدقت اصفا
بفرمایند که دیگر برای هر کس تولید
سوء تفاهم نشود که بعد مجبور باشیم
توضیح بدهم آن وقت هم وقت توضیح نباشد
چنانچه در دوره اول هم شد یعنی عرایض
بنده را طور دیگر تفسیر کردند و وقت
هم بنده نرسید که توضیح بدهم بهر جهت

بنده از چند نقطه نظر باین لایحه مغالغم مقدمتاً باید عرض کنم که بعد نگویند باره سازی و راه آهن و آبادی و امنیت کسی مغالغ است و یک فرض هائی که هیچ گویند آن را فرض نکرده است پیش خودشان فرض بفرمایند نه خیر گویند که الان خدمت آقایان ایستاده است ابتدا با این مخالفت ندارد و آرزویی که دارد این است که ملک راه آهن و وسائل حمل و نقل و امنیت و آبادی و آزادی و همه چیز داشته باشد که تمام اهالی مملکت استفاده کنند ولی معذرتاً بنده از چند نقطه نظر باین لایحه مغالغم اول این که همانطوری که آقای معاون است و تلگراف فرمودند اخذ حق العبور و راه سازی با وزارت فواید عامه است برای چه وزارت بست و تلگراف آنرا پیشنهاد کرده است؟ پس معلوم می شود که وزارت خانه ها هنوز وظایف و کار های خودشان را هم نمی دانند!!! این لایحه یکی از لایحه های است که علی الاصول باید وزارت فواید عامه پیشنهاد کند این یک مخالفت من دیگر این که این لایحه که این لایحه که پیشنهاد شده است یک لایحه جمع و عایدی است و یک مالیاتی است که می خواهند بر عایدی فلک زده تحمیل نمایند (هر چند که بعضی از آقایان منجر می شوند که کلمات فلک زده و فقیر و بدبخت و بیچاره گفته شود و لکن چون عقیده آزاد است و بنده هم خوشم می آید عرض می کنم هر کس می خواهد منجر بشود بشود) پس اول با بدیهه لایحه که از این قبیل به مجلس می آید مطابق اصول بودجه که بنده این جا مکرر تکرار کرده ام معین کنند جمعش چه چیز است و خرجش چه چیز؟ چقدر وارد صندوق عمومی می شود همین طور در سال گذشته عایداتش چقدر بوده و خرجش چه بوده؟ حالا آقای وزیر لازم می دانند صدیست الی صد سی بر آن اضافه بشود؟ ماه ها که وظیفه نمایندگی را بعهده گرفته ام پس از اینکه یک ورقه سفید بدهم و کلین ما مجبور می شوند یک پولی بدهند باین جهت اول باید بدقت به بینیم که این خرج لازم است یا لازم نیست؟ آیا لازم است صد بیست اضافه کنیم یا همین مقداری که حالا می گیرند کافی است و اگر لازم است و کسر دارد این صد بیست را برای بدهیم بدبختانه هیچ یک از اینها در لایحه قانونی نیست و باید در این لایحه متذکر شوند که سال گذشته این خرج ما بوده و این دخل ما و این مقدار هم کم آمده است حالا از برای اینکه دخل و خرج تکافو بکند باید فلان قدر اضافه شود یکی دیگر از علل مخالفت بنده این است که بنده این لایحه را هر چه خواندم ملتفت نشدم چون

این لایحه باید دارای دو جزء باشد یکی آنچه که سابق می گرفته اند یکی این که حالا اضافه صدیست یابد سی میخوانند دریافت کنند آقایان بدقت این ورقه را ملاحظه بفرمایند فقط نوشته است از اسب یا شتر یا قاطر فلانقدر دیگر سابقاً چقدر می گرفته اند هیچ معلوم نیست و بنده که حالا می خواهم ورقه سفیدم را بدهم (در صورتی که ورقه آبی خواهم داد) نمی دانم چقدر بر این اهالی بدبخت و بیچاره تحمیل شده که بعد اگر یکی از موکلین از بنده پرسند که آقایان چقدر ببن تحمیل کردی؟ بنده نگویم نمی دانم و بنده نمی دانم امسال چقدر بر موکلین خودم تحمیل کرده ام لهذا این لایحه را ناقص می دانم نمی دانم بطور رای بدیم باین جهت این لایحه بنظر بنده غلط است شاید سایر آقایانی بواسطه اطلاعات خارجی که دارند درست از جزئیات این لایحه مسبوق باشند ولی خود لایحه که باین ترتیب فرضاً هم این لایحه درست شود آن وقت تازه بنده مغالغ و ملتش این است که سابقاً مالیات نواقل را هم در این مجلس گذرانند و موافقین این انواع محسنتات و مزایا را برای آن قائل بودند حالا از آقایان انصافاً می خواهم سؤال کنم آیا از وقتی که مالیات نواقل وضع شده تا کنون مصارفی گذار برایش معین شده رسیده است؟ خیر به علاوه کمیسیون وقتی از حق العبور کم می کند از اسب و شتر و قاطر کم نمی کنند از اتومبیل کسر می کند زیرا در لایحه وزیر اتومبیل هشت قران نوشته شده بود کمیسیون آنرا شش قران کرده در صورتیکه اگر کمیسیون آنرا یک تومان می کرد بنده بعضی یک ورقه سفید دو ورقه می دادم برای اینکه کسی که می خواهد با اتومبیل برای تفریح بدهاند بر نروند ممکن است یک تومان هم بدولت بدهم ولی متأسفانه کمیسیون از اتومبیل کم کرده است و این در دنیا یک اصول مسلمی است اشخاصی که بایکدیگر هم عقیده هستند بخیر همدیگر کار میکنند و علی الاصول هر یک از دو طرفه طرفدار هر کسی باشند در مجلس سنی می کنند مالیات را از کمر او بردارند کمیسیون هم که مقدار صد بیست یا صد سی را میخواست است اضافه کند درباره الاغ و شتر و اسب و قاطر اضافه کرده است ولی بمسئله اتومبیل که رسیده است هر جا هشت قران بوده است بوده است سه قران کرده است . چه شده است که اتومبیل سواران از دادن دو قران مالیات منافع شده اند ولی الاغ سوارها و شتر سوارها بایستی اضافه

پس علی الاصول بطور فهرست یاد - آوری می کنم که با این لایحه مغالغم برای اینکه اولاً وزیر فواید عامه باید پیشنهاد کند تا بنای این لایحه جمع و خرج سال گذشته را همراه ندارد تا معلوم شده جمع او چند خرجش چه میزان و حالا چقدر کسرها در آنجا صدیست یا صد سی که اضافه شده آن را جبران میکنند یا خیر؟ ثالثاً در وقتی که اعداد را معین کرده اند معلوم نیست عدد اولش چه بوده و حالا چقدر تحمیل می شود . رابعاً پس از آنکه این مالیات را ما وضع کردیم آیا بمصرف واقعی خودش میرسد یا شهربی فلان امپان و شاهزاده و خان میشود . چون نمی دانم پس از گذشتن این مالیات جمع شدن یکشاهی یکشاهی بچه مصرف میرسد یا بعد آن راه معین بفرمایند این است دلائل بنده و باین دلائل و جهاتی که عرض کردم با این لایحه مغالغم و دیگر یک چیزی را هم بنده از فرمایشات معاون وزارت بست و تلگراف نفهمیدم . فرمودند وزارت بست و تلگراف این راه را بموجب تصویب نامه که از هیئت دولت صادر شده است ساخته و حالا نمی توان آن را بوزارت فواید عامه ووا گذار کند اگر اینطور فرموده باشند یک چیز خیلی تازه است معلوم می شود وزارتخانه ها متعلق بیک دولت نیست و وزارت بست و تلگراف این راه را از مال شخص وزیر یا از مال شخص آقای معاون یا از مال شخص آقای مسیوم لیت ساخته است خیر راهی است مال دولت و وظیفه وزارت فواید عامه است آنوقت هم که وزارت بست و تلگراف این راه را ساخته است اگر پول داشت خوب بود می داد بوزارت فواید عامه و می گفت تو این راه را بساز تا او هم کار خودش را انجام می داد و امورات از یکدیگر تجزیه می شد خوب است این قسمت را آقای معاون توضیح بفرمایند معاون وزارت بست و تلگراف - این جمله را حضرت والا اشتباهاً فرمودند بنده عرض کردم وزارت فواید عامه راه را بسازد و امورات بآنصوب هیئت دولت این راه را بسازد اما در نگاهداشت و وجود این راه هم لازم بود اداره بست و امورات برای راه سازی نیست بلکه برای اصلاح امورات بستی است و ممکن است دولت تصویب کند که اداره بست اضافه عایدات را بصندوق مالیه بدهد و وزارت فواید عامه از آنجا بگیرد و بمصرف راه سازی برساند و باج آن را خود اداره بست بگیرد و چون در این مملکت وسائل دیگری برای حمل و نقل نیست فقط یکانه وسائل بست است راه هم هر چه هست برای حرکت بست است بهتر این است عایدات را اداره بست دریافت نماید و اینکه حضرت والا فرمودند وزارت فواید عامه بمجلس راه پورت بدهند بنده هم مخالفتی نکردم و عرض کردم اگر اینطور

است و بایستی راه بتوسط وزارت فواید عامه اداره شود خوب است مخارجی را هم اداره بست برای تأسیس راه کرده از صندوق دولت بدهند نفییم الملك مغیر - در جواب فرمایشات آقای زنجانی و شاهزاده سلیمان میرزا لازم است عرض کنم اولاً در باب اینکه چرا این لایحه را وزارت بست و تلگراف پیشنهاد کرده است و از طرف وزارت فواید عامه پیشنهاد شده است همانطور که آقای معاون توضیح دادند اداره بست این راه را بر حسب احتیاجات خودش ساخته است بنده از این راه قبل از ساخته شدن در بین ساخته شدن و بعد از ساخته شدن عبور کرده ام و دیدم قبل از ساخته شدن تا سرخه حضار ممکن بود یا در شکه و عرابه بروند و از آنجا به بعد راه خیلی خراب بود و بدیهی است یک راه عمومی که در اطراف طهران است و غالباً از آنجا عبور و مرور میشود باین خرابی باشد خیلی خیلی بد بود وزارت فواید عامه هر وقت میخواست آن راه را بسازد ناچار بود تقاضای یک اعتبار مخصوصی از دولت بکند و دولت هم تصویب نمیکرد اداره بست ناچار از عایدات خود متدرجاً شروع بساختن این راه نمود و با کمال صرفه جوئی آن راه را ساخت و حالا هم سرویس بستی آن دائر است و گمان میکنم در اصل مسئله در حال مخالفتی نیست و راجع باجرای آن هم ممکن است یک ماده در ذیل این قانون بتوسط کمیسیون این قانون وزیر فواید عامه است این یک چیزی نیست که هیچ صدمه باین لایحه وارد بیارد یک راهی است ساخته شده و یک عوائد و عوارضی باید برای او تعیین و تصویب شود آنوقت بسته بنظر مجلس است بهر وزارتخانه بخواهد رجوع نماید ممکن است مقصود جمع آوری عایدات و باقی ماندن این راه است و اینکه فرمودند مالیاتی اضافه میشود خیر مالیات نیست و از این محل هم برای کمک بیودجه دولت نمی خواهند چیزی مصرف نمایند همین اندازه مراضی خواهیم بود که از عوارض این راه خود اینراه نگاه داشته شود و بلکه دنباله آنرا بفیروز کوه و مازندران رسانند و همین اندازه هم که دولت کمک کرده است و آنرا ساخته است خیلی خوب است زیرا راهی را که بنا بود روز در بین راه بخواهند و حرکت کنند حالا در نصف روز میروند اما در تابستان چون راههای دیگر نزدیکتر است مسافران از آن راهها میروند و باینجهت این راه عایداتش کم می شود ولی در زمستان چون آن راهها مسدود می شود از اینراه بیشتر عبور و مرور می شود و عایدات آنهم زیادتر است و رویهمرفته مطابق صورتی که از وزارت بست و تلگراف رسیده است عایدات این

راه در سالی که خوب بوده است چهارده هزار تومان بوده و از این مبلغ تقریباً پنج هزار تومان مخارج یکتفر مهندس بلژیکی است و قریب پنج هزار تومان هم مخارج مأمورین و عملیات راه است و قریب چهار پنج هزار تومان هم مخارج تعمیرات آنراه است و در سال اخیر بمناسبت ازدیاد مخارج عملیات و بعضی مخارج دیگر خرج راه قدری هم از آن مبلغ اضافه شده است و میزانی را که در ابتدای ساختن اینراه دولت برقرار کرده بود از فرادی است که عرض میکنم برای کلیه راههای تهران بدهاوند از اسب و قاطر و شتر با مسافر و بار بکریال بی بار و بدون مسافر ششصد دینار در شکه و عرابه و گاری و غیره با مسافر از هر رأس اسب دوریال اتومبیل خالی یک تومان باردار یا با مسافر یا زده قران و یک جزئی تفاوتی هم در این پیشنهاد جدید شده است برای اینکه کمیسیون نخواست پیشنهاد دولت را علناً تصویب کند بیچاره آخری آن شکلی را که وزارت بست پیشنهاد کرده بود که صد بیست یا صد سی اضافه شود کمیسیون آن ترتیبی را نپذیرفت زیرا آن ترتیبی که سابق برقرار بود مصوبه مجلس نبود که امروز اضافه آنرا بتصویب مجلس برسانیم لهذا لازم بود میزان کلیه عوائد بر فراری را بتصویب مجلس برسانیم و برای تعیین مقدار عوارض هم چیزی که لازم بود تعیین شود مخارج راه بود مخارج راه را هم بر آورده کردیم دیدیم این مبلغ مخارج را تأمین میکند چون مخارج اینراه در سال از قبیل حقوق مهندس و تعمیر راه و غیره قریب هفتاد الی هجده هزار تومان است و دیگر چیزی باقی نمی ماند که بمصارف دیگر برسانیم بعضی از آقایان این مسئله را تشبیه مالیات نواقل کردند و بنده تصور می کنم این تشبیه مورد نداشته باشد زیرا مالیات نواقل قبل از آنکه بموقع عمل گذاشته شود وضع شد و بعداً قانون سواستعمال شده است باید آنرا رفع کرد ولی این عوارض چیزی است که قبل از تصویب شدن بموقع عمل گذاشته شده همانطور که گفته شد بیکراه خوبی ساخته اند و پلهای محکمی هم در اینراه ساخته اند که اتومبیل و غیره بخوبی از آنراه عبور میکنند البته بعد از آنکه مردم دیدند راه درست شده است این مالیات را از روی میل می دهند یک ایرادی که شاهزاده فرمودند این بود که چرا از حق العبور اتومبیل کسر شده است . اولاً در لایحه که وزارت بست و تلگراف تقدیم کرده بود عایدات اتومبیل بطور کلی نوشته شده بود ولی کمیسیون آنرا بدو قسمت تجزیه کرد . یکی سواری و دیگری بازی و معلوم است اتومبیل که بار داشته باشد سنگین تر است و بیشتر صدمه بر راه وارد می آورد ولی اتومبیل سواری صدمه آن کمتر است و دیگر اینکه فقط لفظ اتومبیل دلیل بر اصابت نمی شود و ممکن است اشخاص

فقیر هم داشته باشند . مثلاً یک مکاری عوض پنجاه قاطر یک اتومبیل بخرد و بار کشتی کند خود بنده هم یکی از طرفداران قرا هستم ولی ناز این است که هر کس اتومبیل سوار است آنرا باین بکشند و بگویند تو هم مثل من بیاده راه برو با فلان قدر حق العبور بده بلکه کاری بکنیم که قرا هم اتومبیل سوار شوند اگر اتومبیل ارزان باشد و گرایه آن ارزان باشد که فقیر هم بتوانند با اتومبیل به دماوند بروند چه عیب دارد؟ این بود که عوارض اتومبیلها را ما دو قسمت کردیم . باری هشت قران و سواری شش قران و این تخفیف برای این بود که عبور و مرور با اتومبیل زیاد بشود بلکه بنده معتقدم که باید تا چند وقت مالیات نواقل اتومبیل را موقوف کنیم تا وسائل حمل و نقل ما منحصراً بقاطر و شتر والاغ نباشد و از اتومبیل هم بتوانیم استفاده کنیم ابتدای طهران فقط اتومبیل برای سواری و تفریح بود ولی امروز ملاحظه می فرمایند چقدر اتومبیل هست که هر روز اعلان می کنند گرایه داده می شود این ربطی با عیانت و اشرفیت ندارد وسائل حمل را نقل است شاید بیک روزی راه آهن در ایران ساخته شود و در ابتدای امر دوسه نفر عیانت در آن سوار شوند باید تا آخر بر راه آهن فحش داد؟ چرا که عیانت سوار شده اند! اخیر وسائل تسهیل حمل و نقل را باید فراهم نمود تا اینکه همه استفاده کنند در آن لایحه تقدیمه وزارت بست و تلگراف یک کمیسیون عایدات است که سفند هم داشت که کمیسیون را خیلی زائد می دانست لذا آنرا حذف کرد ولی باقی چیز هائی بود با مخارج اینراه مطابقت می کرد این مقداری است که کمیسیون پیشنهاد کرده است

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - با تجربیاتی که بنده در دوره های گذشته نمودم بر خود حتم کردم که هر مالیاتی نباشد در این جا وضع شود تا از جمع و خرج آن مسبوق نباشیم رای ندهم راجع به راه فرمودند که باید یک اضافه برای مخارج تصویب شود سال گذشته بنده از این راه عبور کرده خوب تعمیر کرده بودند ولی هیچکدام از اینها دلیل اضافه کردن مالیات نمیشود برای اینکه علت عهده کسر مخارج به اداره کردن است و به اداره کردن نباید سبب شود که ماب مردم تحمیلات زیادی بنمایم بنده یک چیزی عرض می کنم تا آقایان مستعضر بشوند که برای رفتن و برگشتن از دماوند چقدر مخارج نموده ام وقتی بچاگرد رسیدم گفتند باید در اینجا بلیط بگیرم شخصی که بایستی بلیط بدهند خوابیده بود بزحمت زیاد او را بیدار کردم بن گفت برو چراغ را بیاور

درب پشه بند تا بلیط بدهم بنده بزحمت زیاد تیراغ را پیدا کرده بلیط گرفتم در وقت برگشتن هر چه سمی کردم بلیط بگیرم نشد تا اینکه بیکتفر قزاق پول دادم که برای من بلیط بگیرد بنا بر این گمان میکنم حرف یکتفر نماینده بقدر حرف یکتفر مأمور مفتش اعتبار داشته باشد در اینجا میگویند پنج هزار تومان یک قلم برای یکتفر مهندس با یکی اختصاص داده اند بنده نمی دانم یک راه مختصر در عرض سال چقدر مدت مهندس لازم دارد . راهی است ساخته شده نهایت بعضی اوقات یک تعمیرات جزئی لازم دارد بعد از هریک از وزارتخانه هم که مهندس دارند از وجود آنها استفاده نمیکنند و مهندسین آنجا بیکار می گردند ممکن است بعضی اوقات باو بگویند برو به بینا اگر راه تعمیرات دارد دستور بده و بیا باقی عملیات را بایستی عملیات ایرانی بکنند بنا بر این این گویم مخارج لازم نیست دولت از این راه هم دخل می کند هیچ اضافه هم نباید تصویب شود به علاوه عرض می کنم این مسئله مربوط وزارت فواید عامه است و وزارت بست و تلگراف دخل ندارد وقتی مجلس میخواهد داخل یک مطلبی بشود اول بایستی تشخص بدهد که مسئله مربوط به کدام وزارتخانه است این اساس مسئله است اگر معلوم شد که مسئله راجع بوزارت بست و تلگراف است بایستی در زمینه این پیشنهاد داخل مذاکره شد و اگر مربوط بوزارت فواید عامه است دیگر این مطالب زیادی است و باید وزارت فواید عامه نظریات خودش را بگوید و آنوقت هم همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند بصورت جمع و خرج آن حساباً بدهند تا ناچار بشود و بنده نماینده گان توزیع نمایند تا بتوانیم در زمینه آن تصمیمی اتخاذ کنیم

معاون وزارت بست و تلگراف

راجع به مهندس یک اشتباهی شده است وزارت بست و تلگراف برای این کار مهندس مخصوص استخدام ننموده و حقوقی نمیدهد بلکه مهندس از طرف وزارت فواید عامه کتیرات شده و لکن چون در آنجا کاری نداشت وزارت بست و تلگراف یک کار جزئی پیدا نموده و از وجود او استفاده کرده است اما راجع به زیادی عوارض اشاره شده بنده عرض می کنم ، از طهران تا قم بیست و چهار فرسخ است راه آن هم از دماوند بدتر است در راه دماوند دوازده فرسخ است از اینجا تا دماوند برای یک کالسکه و چهار اسب دوازده فرسخ و خرده کالسکه و چهار اسب دوازده فرسخ است و این کار را باید در تمام این راه بگذرانند و این کار را باید در تمام این راه بگذرانند و این کار را باید در تمام این راه بگذرانند

رئیس - در کلیات مذاکرات کافی است یا خیر؟

حاج میرزا عبدالوهاب - چون بنده توضیحات و اطلاعاتی داشتم و میخواستم

مرض کنم تا نوبت به بنده برسد مذاکرات را کافی نمیدانم

رئیس - آقای کازرانی موافقید؟

آقا میرزا علی کازرانی - خیر مغالغ

رئیس - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی بطور قمی چطور؟

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده هم مغالغ

رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک - یک مقداری از عرایض بنده توسط آقایان گفته شد بنده هم عرض می کنم دخالت وزارت بست و تلگراف در کار کم کم سایر وزارتخانه ها را دارد بیکند که در کار یکدیگر مداخله نمایند مثلاً اگر وزارت فواید عامه یک لایحه برای کشیدن سیم تلگراف بدهاوند بمجلس تقدیم نموده آیا مامی توانیم در آن لایحه مذاکره نماییم؟ البته نمی توانیم تا لایحه از مجرای رسمی خودش نباید بایستی مورد بحث واقع شود و این لایحه بایستی از طرف وزارت فواید عامه تقدیم شود و در صورت عرایضی دارم که عرض خواهم کرد

رئیس - آقای اعداد السلطنه خراسانی (اجازه)

عداد السلطنه خراسانی - یک قسمت از عرایض بنده هم توسط آقای سدیدالملک گفته شد ولی آقای معاون وزارت بست و تلگراف در ضمن فرمایشاتشان اظهار نمودند اگر بنا شود این کار بوزارت فواید عامه رجوع شود باید آن وزارتخانه مخارجی را که در وزارت بست و تلگراف نموده است مسترد دارد بنده خیلی تعجب می کنم مگر اداره بست یک اداره مستقلی است و مابداش متعلق بدولت ایران نیست؟ مگر ایشان این راه را از مازاد عایدات بست ساخته اند؟ بنا بر این دلیل ندارد این راه در تصرف وزارت بست و تلگراف باشد و باید در تحت نظر وزارت فواید عامه بوده و از مجرای وزارت فواید عامه هم این لایحه پیشنهاد شود تا بتوان در آن تذکراتی نمود والا بنده حالا مذاکرات را بن موضوع می دانم

مخبر - در این قسمت آقایان زیاد اصرار می کنند لایحه بیکه پیشنهاد شده است دو امضا دارد یک امضاء وزیر بست و تلگراف و دیگری امضاء رئیس الوزراه لذا لایحه از طرف هیئت دولت پیشنهاد شده و وزارت بست و تلگراف و فواید عامه و سایر

وزارتخانه ها در این لایحه شرکت دارند حالا اگر آقایان می فرمایند اجرای این مطالب بعهده وزارت فوائد عامه باشد هیچ ضرر ندارد که الان رای بدهند معجزی این قانون وزارت فوائد عامه باشد ولی این موضوع راجع باصل مطلب نیست و نباید این قدر مذاکره شود

رئیس - آقای سردار مقیم (اجازه)

سردار مقیم - بنده چون معتقد بتکرار مطلب یا تکرار الفاظ نیستم و هریض بنده بتوسط آقای سلیمان میرزا گفته شد دیگر عرض ندارم و نمی خواهم وقت مجلس را تلف نمایم همینقدر عرض می کنم با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرضی (اجازه نطق)

حاج میرزا مرضی - بنده بملامت امتراضاتی که آقایان فرمودند عرض می کنم از طهران تا دماوند ۱۲ فرسخ است و معبر محترم فرمودند سابقاً برای مخارج این راه ۱۴ هزار تومان می گرفته اند و حالا بطوریکه در این لایحه نوشته سالی ۱۸ هزار تومان باید گرفته شود ملاحظه فرمائید این چه راهی است که سالی این مبلغ خرج دارد تصور می کنم اگر راه آن می ساختند هر فرسخ هزار و هشتصد تومان در سال خرج تعمیر نداشت

آقا سید یعقوب - بطور می شود راه آن را بابتد در خرج داشته باشد

حاج میرزا مرضی - بنده مخارج تعمیرش را عرض کردم فرسخی هزار و شصت تومان بیشتر نیست نه کشیدن واحداث راه آن را برای یک راه شوره ده فرسخی نباید سالی ۱۸ هزار تومان خرج نمود و سالی ۵ هزار تومان بیک نفر مهندس داد آنهم با آن ترتیبی که آقایان بکیشرو فرمودند که مأمور راه در پشه بند خودش خوابیده باشد با این ترتیب یک حقوق زیادی بر رعیت تحمیل بکنند و بآنها بدهند. حقیقتاً فرمایشاتی را که آقای رفعت الدوله آن روز راجع براه کرمانشاه فرمودند جهت آرواست بهر حال دولت یک حسابی برای این راه معین نماید که مخارج و عایدی این راه چه چیز است و مطابق آن از مردم پول بگیرند

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مخالفت بنده با این لایحه از حیث تقاضای است که بنظر بنده میرسد و پیش بینی نشده است ولی باصل لایحه بنده موافقم علی که آقایان مخالفین برای مخالفت با این لایحه ذکر کردند چند چیز بود که بنده بطور مختصر جواب عرض می کنم بمسئولان مطالب می شوم یکی از بیانات

آقایان اظهار وحشت از بدی مخارج و حیف و میل بود که فرمودند ما نباید تصویب کنیم ولی بقدر تقسیم شود و بطور شهریه بهر رو زید تقسیم شود اگر بنا باشد ما این ایراد را در این جا وارد بدانیم پس نباید هیچ قانونی وضع نماییم بملامت مجلس دو وظیفه مهم و بزرگ دارد یکی وضع قوانین و دیگری نظارت در اجرای قوانین است و مجلس باید از حق نظارت خود در اجرائیات کاملاً استفاده ننوده و هر موقعی دید قوانین دارد از محور اصلی خودش متصرف می شود و سوء جریان پیدا می کند از وزیر سؤال و استیضاح نماید بنابراین با بودن مجلس تصور می کنم وحشت از حیف و میل شدن عایدات موافق دلیل و برهان نباشد دلیل دوم مخالفت آقایان تحمیل بقرعاست بنده این مسئله را خیلی شبیه بقضیه طاحونه ها میدانم کدر مجلس مطرح شد در آنجا هم گفته شد که این مالیات است در صورتی که وضع اسم مالیات بر آن مطلب صحیح نبود یک حقیقی بود که بایستی از اشخاصی کمی خواهند از آب خاص و ملک خاص دولت استفاده نمایند گرفته شود این هم مالیات نیست راهی برای سهولت آمدورفت عابرین ساخته می شود و چون برای ساختن این راه مخارج اولیه بایستی بشود و بعد هم برای حفاظت و تعمیرات یک مقدار پول لازم است باید دید که این پول را که باید بدهد ؟ البته اشخاصی که از این راه عبور می کنند استفاده نمی نمایند باید این پول را بدهند ولی البته باید باندازه گرفته شود که تحمیل فوق العاده بر عابرین نباشد و موجب ظلم نگردد شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیانات خودشان فرمودند که من عقیده ام آزاد است و می گویم بدبخت مردم بیچاره ملت ولی بعضیها از گفتن این کلمات بدشان می آید بلی گویا بنده یک وقتی در اینجا اشاره کردم که باین کلمات مخالفم الان هم می گوید که بنده کاملاً با گفتن این کلمات مخالفم برای این که گفتن این کلمات حس ملت و خون ملت را منجمد می کنند و ملت را بسمت نوحه گری سوق میدهد و بنده بگفتن این کلمات معتقد نیستم برای اینکه این کلمات مورد واقعیت ندارد بنده معتقدم که ملت را باید تشجیع کرد و خون صمیمیت و جمعیت را در بدن ملت تزریق کرده که ملت دشمنان خودش را بنوحه گری وادار کند نه اینکه خودش خوی نوحه گری و ناله سرائی پیدا کند بملامت گفتن کلمه بدبخت بیچاره مظلوم دلیل بر واقعیت نیست و چون بنده تصور کردم این اعتراض را بر بنده کردند لذا مطلب را تکرار کردم دیگر از چیزهایی که گفته می شود سوء اداره است کی باید این سوء اداره را بر طرف

کند بنده تصدیق می کنم در ادارات ماسوه اداره است ولی آیا بعضی دین اینس نقایص باید از اداره صرف نظر البته باید حتی الامکان کوشش نمود و نواقص را اصلاح کرد و ازین برد دیگر از ایرادات این بود که این مطلب مربوط بوزارتخانه دیگری است بلی برای اینکه امور از هم تفکیک شده و وظایف وزارتخانه های مملکت مجزی باشد باید هر وزارت خانه برای خودش ترتیب مشخصی داشته باشد بلی جبران این مسئله با مجلس است و در آخر آن نوشته می شود معجزی آن وزارت فوائد عامه است بنابراین بطور اجمال عرض می کنم برای اینکه این قانون در موقع اجرا دچار اشکالاتی نشود لازم است چند چیز در این قانون اضافه شود اولاً برای کسانی که بخواهند مخالف این قانون رفتار نمایند یعنی بخواهند بطور قاچاق از این راه عبور نمایند باید مجازاتی ذکر شود که فردا نگویند چون در قانون مجازات ذکر نشده تولید اشکالاتی نموده است

دوم - لازم است یک استثنائاتی در اینجا ذکر شده و این استثنائات همان است هم همان است که در همه جا معمول است مثلاً اگر بخواهند صاحب منصبان نظامی از این راه عبور کنند تکلیف آنها چیست ؟ آیا آنها هم داخل در این قانون هستند یا معافند ؟ این مسئله در اینجا تصریح نشده است و باید معلوم شود که مأمورین پلیس و امنیه و غلامهای اداره تلگراف که مأمور تعمیرسیم تلگراف هستند یا حکومت دماوند و معاون او بطور کلی ازدادن آن حق معاف هستند مأمورین طرق شوره و ملزمین رکاب همایونی یا نایب السلطنه که بخواهند از این راه بروند معلوم شود تکلیفشان چیست ؟ اینها را باید ابتدا در نظر بگیریم که بعد دچار زحمت نشویم

ثالثاً - باید دهاتی هایی که بخواهند ازین راه عبور کنند یا از اینطرف جاده آن طرف بروند و باینکه از یک فرسخ به بعد جاده خارج شوند از این حق معاف باشند و یک تحمیلی بآنها نشود مگر در صورتیکه مستقیماً از تقاطعی که معین شده است بخواهند بمقصد حرکت نمایند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفین

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم بعد از یک مخالف نظریات خود را عرض خواهم کرد **رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)** **رفعت الدوله -** بنده یکی از اعضاء کمیسیون فوائد عامه هستم در بست و تلگراف شد و این یک چیزی نیست که موضوع داشته باشد بنده عرض می کنم

آیا باید دولت از یک راهی که بنده هزار تومان خرج آن می کند هیچ منافعی نبرد و بهمان مخارج آن قناعت نمایند بنده بکلی مخالف این مطلب شد و عقیده ام این است که باید از این راه منافع برد بر همانند مملکت اضافه شود آقایان مخالفین گمان نمی کنم این راه را ندیده اند بعد از اینکه این راه شوره شده است اشخاصی که از این راه میروند خیلی از این راه رضایت دارند زیرا از زحمت دوازده فرسخ راه راه بر سکن و برف و رودخانه که بایستی مازندران برود و در آخر آن نوشته می شود و بملامت در آن راه دوشب بخوابد ولی در این راه فقط یک شب می خوابد بنابراین اگر همان خرج بکشد مسافرا حساب کنید می بیند دو برابر حق العبور می شود اعتراضات آقای تدین یک چیزهایی بود که بایستی اصلاح شود ولی نمی شود گفت فقیر و بیچاره حق العبورند زیرا مالیات دولت را کسی باید بدهد ؟ البته یک قسمت حق العبور بر آنها تلق می گردد و اگر راه بد باشد وساخته نشده باشد ده مقابل برای آنها ضرر دارد اگر برای جزئیات مسئله آقایان اعتراض دارند پیشنهاد کنند بر گردد بکمیسیون اصلاح شود و اگر بخواهند اصلاً موضوع را مرتفع کنند مختارند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - از مذاکراتی که در این زمینه می شود موافق و مخالف درست معلوم نیست بنده نسبت باین لایحه موافق بودم و فرمایشات آقای تدین هم بر حسب موافقت بود فقط یک اظهاراتی که کردند و دل بر مخالفت بود در زمینه اصلاح بود این بود که عرض کردم بعد از یک مخالف اظهار عقیده خواهم کرد

رئیس - حال موافقت یا خیر ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم **رئیس -** اول که برسیدم فرموده مخالفین

حاج شیخ اسدالله - خیر موافقم حالا اگر میفرمایید بعد از یک مخالف عرض کنم و اگر بفرمایند حالا مطالب خود را اظهار نمایم ؟

رئیس - خیر منتظر باشید بعد از آقای دست قیاب بفرمایند آقای دست غیب **(اجازه)** **حاج سید باقر دست غیب -** اول استدعا می کنم آقایان دوست بهر ارض بنده توجه بفرمایند و موافقین خیال نکنند چون موافقین رای نمیدهند حتماً باید مخالفت نمایند و عقیده آنها را رسمی کنند بنابراین یک قدری دقت فرمایند اگر هریض بنده بنظرشان بد آمد رد کنند

استدعای دوم بنده این است که یک نظری باخلاق و عادات روحیه افراد ماصر خودمان بیندازیم و بعد هم نظری باطفال تربیت شده بمدار خودمان بکنم قانونی که در مملکت وضع می شود راجع بعادیات یک مملکتی است

بنده این که عرض کردم مخالفم از دو نقطه نظر بود با اینکه بنده عقیده ام این است اکثر آقایان از ظلمی که از اجرای این قانون می شود آگاه هستند معذرتاً باین قانون رای میدهند بنده فرمایشات آقای سلیمان میرزا را تأیید می کنم فقرا را ضعیفاً بیچاره هستند زیرا ممکن است حق العبور کالسکه و درشکه را تخفیف بدهند لکن بیچاره شخصی که یک بار خار دارد هیچ تخفیف نمیدهند

آقای تدین فرمودند عرض این کلمت را تشجیع کنیم چرا لفظ بیچاره میگوئیم بنده عرض می کنم که ما می گوئیم ملت بیچاره احقاق حق خود بکن و این که می گوئیم بیچاره نه این است که چاره ننداری بلکه بیچارگی تودست خودت باید بینی کی تو را بیچاره کرده است یعنی یک عده اشخاصی که خون ترا در شیشه کرده اند تو را بیچاره کرده اند پس معنی لفظ بیچاره این است بنابراین وقتی می خواهی قانون وضع کنی باید دقت کنی که ظلم بر بیچاره ها وارد نشود بنده آنچه در زمان خود دیدم این قوانین که در این دوره از مجلس گذشته است باین که اصل قانون بدنبوده است معذرتاً اجرا نشده است و اگر اجرا شده است نسبت بقرا اجرا شده اما راجع بنظارت مجلس راست است مجلس ناظر است ولی خیلی معذرت می خواهم که این عبارت را عرض می کنم

مجلس باین مسائل اهمیت نمی دهد نظیرش این است که قانون مالیات نواقل را مجلس وضع کرد ولی مدت یکسال است از افتتاح مجلس گذشته و بدبختانه هنوز سؤال نشده است نواقل در تحت اداره کی است خرجش را کی باید بدهد ؟ آیا در تصرف بلدی است یا در تحت اداره ماله در موقی هم که آقای مخبر السلطنه والی فارس بودند عرض کردیم قانون اینطور می گوید که باید نواقل در تحت اداره بلدی باشد مجلس قانون نواقل را وضع کرد یک الاغ یا یک آدمی که یک بار خیار از زرقان وارد نمود می گویند مالیات نواقل بده بعد از این که مالیات میدهد دو مرتبه وقتی هم بر میگردد باز از او ادعای مالیات نواقل می کند؟ اغلب آقایان شاید درست احاطه بوضعیات مملکت خودشان ندارند مثلاً شهراز میگوید یل خان زرخان تعمیر لازم دارد ای وای من دیروز از آن جا آمدم پل زرخان چه تعمیری لازم دارد ؟

بعلاوه کسی این پیشنهاد را می کند؟ آنوقت آقایان هم که اینجا تشریف دارند تصور می کنند حقیقتاً تعمیر می خواهد از این مطلب بگذریم عادیات مملکتان این است التحیر بالله العیاذ بالله نمی خواهم عرض کنم که اعضای ادارات ما تماماً بد هستند بلکه بطور نزاکت عرض می کنم که چون عادیات مملکت ما طوری است که ممکن است قانون را هم سوء استعمال و سوء استفاده کند از این نقطه نظر است که باید قانون گذارها یک نظری هم بحال روحیه و عادیات مملکت خودشان بکنند و قانون را وضع کنند برای اینکه ما می بینیم قانون می نویسند که از آن قانون استفاده شود آنوقت نظام یک بیچاره بدبختی میشود راه دماوند هم مثل راه قم که همه آمده ایم و دیده ایم چه مجسری است یک کمد پشتمیز نشسته و هر چه از مردم می گیرد به صرف راه نبرسانند او خرج خودشان میکنند و راه همینطور خراب مانده درحالی که برای ایمان و اشراف خرابی راه بیشتر ضرر دارد آخر آقایان پولی که از مردم برای خرج راه گرفته میشود کجا است جمعش کجا است ؟ خرجش کجا است ؟ پس ما می بینیم این قانون مناسب با حال و روحیه و اخلاق ما نیست و می بینیم ظلم بر بیچاره ها می شود باین جهت بنده مخالف با این قانون هستم باید معلوم شود برای چه دولت این پول را می گیرد آیا می خواهد از این راه منافعی ببرد خیر این اشتباه است و این پول ربطی بدولت ندارد و باید مخارج تسطیح و تسهیل راه بشود و ممکن است از دولت خواهش کنیم و بگوئیم آقای دولت استفاده نکنن برای اینکه قانونی که ما وضع می کنیم برای تسهیل راه است و همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا و سایرین فرمودند کسی مخالف باره شوره و راه امن نیست ولی کلام در این است این قانونی که برای راه شوره وضع می کنند برای اینست که مسافر بطور سهیل و آسان مسافرت کند بلکه بکندوی بهتر و زیباتر می شود ادا کرد و گفت راه را می سازند که این الاغ سوار بیچاره بایک کسی که یک بار خیار دارد بطور آرامی از این راه عبور کند ولی بر عکس می بینیم اینطور نیست و بنده قطع دارم و از طرف آن مظلومها و آن بیچاره ها قسم هم می خورم و از قول آنها میگویم ما پول نمی دهیم و تسهیل هم نمی خواهیم برایمان درست کنید چه دیدم هایت گر گم تو بودی پولم را می گیری و راه راهم برایم درست کرد یک الاغ یا یک آدمی که یک بار خیار از زرقان وارد نمود می گویند مالیات نواقل بده بعد از این که مالیات میدهد دو مرتبه

وقتی هم بر میگردد باز از او ادعای مالیات نواقل می کند؟ اغلب آقایان شاید درست احاطه بوضعیات مملکت خودشان ندارند مثلاً شهراز میگوید یل خان زرخان تعمیر لازم دارد ای وای من دیروز از آن جا آمدم پل زرخان چه تعمیری لازم دارد ؟

اینها است نباید قانون وضع کنیم پس این هم یک راه مخالفت بنده بعضی هریض دیگری هم یاد داشت کرده ام می ترسم عرض کنم وقت مجلس تنف شود و ذهن بعضی هم برود که خارج از موضوع است بهمین جت عرض نمی کنم اگر چه مهاجر در مجلس نیست ولی چون من هادت کرده ام اینطور حرف می زنم استدعا بکنم قطع از نظر از مهاجره و جدل آقایان درست توجه بفرمایند و مرعات حال فقرا را بکنند برای اینکه این اطاق قانون گذاری است یعنی مجلس شورای ملی است و نماینده مجلس نماینده فقرا است پس باید در هر قانونی که میخواهند وضع کنند بیشتر نظر تان با آن اشخاص کم مایه و کم ثروت اشخاص بی پول و اشخاص که مکتشاران اقتضا ندارد و متوجه باشند این بود هریض بنده و دیگر غرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده حقیقتاً از روی واقع خیلی متأسفم و با این وضعیت و با این مذاکرات می بینم بعد از این هیچ مطالبی و هیچ ماده قانونی از این مجلس نخواهد گذشت تماش را با الفاظ و عبارات و بیانات بگذرانم حالا نسبت به بعضی از آقایان نمی بینم اساساً عرض می کنم شاید بعضی در اطراف هوم فریبی و دما گوژی و این صحبتها قدم میزنیم و هر کدام میخواهیم بالادست همدیگر را بگیریم

رئیس - بنا بود داخل این قضایا نشود

حاج شیخ اسدالله - چه کنم با این حرفهاییکه زده میشده خدای داند هیچ میل ندارم داخل در میدان مبارزه و مذاکره بشوم و میخواهم حتی الامکان از این مقوله صحبت نکنم ولی می بینم ما می بینیم مجلس می نشیند که قانون وضع کند آنوقت مطالبی می گوئیم که هیچ مربوط به قضیه نیست برای اصلاح راه شوره و حق العبوری که در تمام دنیا معمول است می می گوئیم ای فقرا ای ضعیفای بیچاره ها ای خسروارها !!! اگر مخالف هستید پیشنهاد بکنید آنها هیچ ندهند راه هم خراب بشود این صحبتها لازم نیست انسان واقع حیرت می کند عرض کردم خدا می داند می خواهم وارد این مطالب بشوم ولی بعضی ازقات نمی دانم چون است مرض است ...

سلیمان میرزا - صحیح است **حاج شیخ اسدالله -** چه چیز است که مرا باین مذاکرات می کشد در اینجا هروقت صحبت می شود می گوئیم ای بیچاره ای زارع ای فقیر ای ضعیف می گریه میکنم ولی در چهار روز قبل که بنده از وضعیت ولایات خودمان و ملایر و بیچاره مردمی که گرفتار تهاجم یکدسته اشرار

بودند عرض کردم ببینید انصاف بدهید و وارد بشوید در مرحله حقیقت ما که می صحبت می کنیم می گوئیم بیچاره ناله کش و در اطراف عله و زارع حرف میزنیم این ناله کش بیچاره را که ما برایش شغورای می کنیم هفت هشت منزل راه را با کمال افتخار پیاده قدم می زنند و این بیابان را طی می کند و می آید بطهران و در این جا روزی هفتاد و هشتاد نفران پول میگیرند و با کمال قوت و قدرت از سی چهل یله نردبان بالا میروند و در میان آفتاب دلخوش است و هیچ اظهار کسالت هم نمی کند برای چه ؟

برای اینکه چهارشاهی پس انداز کند و برود با اهل و عیال خودش راحت باشد و باین خیال دلخوش است بنده که در اینجا شرح می دم اطفال این بیچاره ها در چنگال الوار هستند استهزا می کنند

محمد هاشم میرزا - کسی استهزا نکند

حاج شیخ اسدالله - آنوقت در موقع مذاکره می می گوئیم ای بیچاره فقیر ای بیچاره زارع بیچاره خر سوار باید در موقع عبور حق العبور ندهند آقا اگر بد است پیشنهاد بکنید ندهند مطلب خیلی ساده است

گمان نمی کنم هیچک از نمایندگان منکر این اصل باشند که بهترین وسیله برای زندگانی و سمادت بشر طرق و شوارع است و سهیل العبور بودن راهها وسایل آسایش و زندگانی بشر را فراهم می کند البته اگر راه آهن بشود بهتر است و اگر نشد راه شوره باشد که مردم بتوانند بسهولت عبور و مرور کنند و از ذاق را بهمیدیکر رسانند

دولت پیشنهاد می کند برای این که دوازده فرسخ یا ده فرسخ بین طهران و دماوند همیشه شوره و صحیح باشد یک حق العبوری گرفته شود در صورتی که تمام اهل شهرم محتاج باین راه هستند بلکه لازم است این راه بسازند دران هم متد شود و شاید انشاء الله بعدها هم راه آهن کشیده شود آنوقت می گویند مخارج اولیه اش را هم دولت داده نباید از کسی بگیرد بسیار خوب آقا حق العبور هم بگیرد آیا برای نگاهداری این راه دولت باید یک فکری بکند که این راه باقی باشد یا اینکه باید خراب بشود و برود بی کادش اگر باید این راه بماند و خراب نشود و آقایان غیر از این معمل دیگری دارند که بصرف تعمیر آن برسد نشان بدهند و اگر نیست پس باید حق العبوری برای حق العبور از مجلس شورای ملی نگذشته و در زمان فترت معین شده غالب اصل آن

راهم باید مجلس تصویب کند. حالا بصورت جزء تفرقه که وارد می شود اگرخواستند شفت و فقیرنوازی بکنند یا بقول آقای تدین تشجیع بکنند و شجاعت بخرج بدهند بگویند فقرا هیچ ندهند ما هم می گوئیم ندهند و از اتومبیل هم که حضرت والا می فرمایند چرا هشت قران بود و کمیسیون شش قران کرده است و گریه هم می کنند

سلیمان میرزا - بنده گریه نمیکنم گریه کار شماست و برای خودتان مثل بزید که گریه می کنید.

حاج شیخ اسدالله - بگویندش قران بگیرند و پنج تومان بگیرند ولی در اصلش نباید مخالفت کنند هنوز که وارد صورت جزء تفرقه نشده ایم که مخالفت می کنند چرا اتومبیل شش قران حق العبور بدهد چه ضرر دارد پیشنهاد کند پنج تومان بگیرند بنده هم موافقم بعضی از آقایان می فرمایند که سوه استفاده می شود مثل قانون نوافل که وضع کردیم و مالیاتش را می گیرند و بمصرف خودش نمی رسانند آیا این تصحیح قانون است؟ تصحیح شما و بنده است که جلوگیری نمی کنم ما باید بگوئیم نباید وجه بلدی بمصرف دیگر برسد پس این تصحیح ما است نه تصحیح قانون و قانون گذار.

قانون گذار قانون را درست وضع کرده می فرمایند در موقع شاید خوب بموقع اجرا بگذارند.

اگر این اصل را در نظر بگیرد بفرمایش یکی از رفقای من خوب است اصلا تفنک و توپ هم در دنیا ساخته نشود آیا نباید ساخت؟ این که نمی شود تفنک و توپ قوه دفاعیه است و باید باشد این است که عرض می کنم اگر اجرای قانون بد شد تصحیر با قانون نیست با مجری او است باید جلوگیری از سوء جریان کرد

ولی در موقع تصویب تفرقه اگر کمیسیون تعدیل نکرده است نمایندگان پیشنهاد کنند تا تعدیل بشود اگر بفرمائید از الاغ چیزی گرفته نشود و از ضعفا چیزی گرفته نشود چنانچه عقیده بنده هم همین است باید پیشنهاد کرد که از آنها گرفته نشود.

ولی نباید کاری کرد که این راهی را که دولت ساخته است همینطور بماند و خراب بشود بلکه انشاءالله عایدات این راه زیاد بشود و مجلس شورای ملی رای بدهند زیادی عایدات هم بهیچ مصرف نرسد و خرج همین راه بشود و توسعه پیدا کند تا بمآزندان ملاحظه کنید ببینید اگر حقیقتاً این راه تا مآزندان ساخته شود برای طهران نافع است و امیدوارم در تحت تاثیر افکار منوره آقایان نمایندگان علاوه بر راه شوسه راه آهن کشیده شود این است عقیده بنده

رئیس - مذاکرات کافی است (گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود

(سه فقره پیشنهاد از طرف آقای نظام الدوله و آقای ارباب کیخسرو و آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم مذاکره در این باب مسکوت عنه بماند تا از طرف وزارت فوائد عامه پیشنهاد شود.

نظام الدوله

بنده پیشنهاد می کنم لایحه وضع مالیات راه دماوند را که وزارت پست و تلگراف پیشنهاد کرده است مبدل شود بپیشنهاد جدیدی از وزارت فوائد عامه تا در آن موضوع مذاکرات بعمل ارباب کیخسرو

پیشنهاد میکنم لایحه برگردن توسط وزارت فوائد عامه با مطالعات و تفصیل عایدات و مخارج سالیانه مدت گذشته پیشنهاد مجلس شود

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - بنده چون مقصود و منظورم موافق بمفاد همان پیشنهادی است که آقای مدرس فرموده اند لذا بنده پیشنهاد خودم را بپیشنهاد آقای مدرس مبدل میکنم چون اغلب نمایندگان محترم هم مقصود و منظورشان این است که از طرف وزارت فوائد عامه پیشنهاد شود خوب است باین پیشنهاد رای بدهند که پیش از این وقت مجلس را تصحیح نکنیم

مخبر - بنده تعجب می کنم از این پیشنهاد آقایان یک لایحه هیئت دولت وقت بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است امضای رئیس الوزرا در حقیقت متضمن مسئولیت مشترک تمام وزراء است بملاوه وزارت فوائد عامه هم چیز دیگری پیشنهاد نمی کنند فرض بفرمائید در همین لایحه بجای وزارت پست و تلگراف وزارت فوائد عامه نوشته شده است مهندس هم که در سر این راه کار کرده است مهندس وزارت فوائد عامه است این مسئله را که آقایان می فرمایند فرع بر این است که در آخرین لایحه یکماده اضافه شود که وزارت فوائد عامه مأمور اجرای این لایحه است بنا بر این بنده عقیده ام این است که آقایان یک قدمی بیشتر معتقد باشند که کارها زودتر بگذرد پس بهتر این است بمذاکرات و حرفهای بی مورد کار را عقب بیندازیم وقت خودمان را ننگرانیم کار را از مجلس بگذرانیم آنوقت هر کس می خواهد اجرا کند اجرا کند میخواستند وزارت فوائد عامه اجرا کند و اجرا کنند دیگر اینکه آقای ارباب کیخسرو در ضمن مخالفت خود

بیاناتی فرمودند بالاخره چیزی که بنده فهمیدم این بود که راه دار شب خوابیده بوده است آخر یکراه دار بیچاره که از صبح تا پنج شش ساعت از شب گذشته بامکاری و عابری و غیره سرو کله زده گرنمرده لابد آنوقت مدهوش بوده بندوبستی هم نداشته برای این فرمودید نایت پشه بندهم رفته آید بدبخت دیگر حال نداشته است که بلند شده تصحیری باو وارد نیست پس خوب است این ارادات را مرتفع کنید اما فرمایشاتی که آقای تدین فرمودند جزء مواد است شاید کمیسیون هم مخالف نباشد ولی اینجافرع داخل شدن در مواد است پس برای اینکه کار عقب نماند خوب است آقایان موافقت بفرمایند و رای بدهند که داخل در شور مواد بشویم و اگر پیشنهاداتی دارند بفرمایند تا مراجعه شود بکمیسیون و برای شور دوم اصلاح شود

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - آقای فهیم الملک جمع اصرار دارند که در این لایحه امروز مذاکره شده در صورتیکه این لایحه خیلی نواقص دارد و سابقه اش را هم هیچ نوشته اند حملی و خرج آن هیچ نوشته نشده و بر سبیل اجمال و سر بسته بمجلس آورده اند آنوقت یک فرمایشاتی می فرمایند که حقیقتاً از مسئله دور است و حال آنکه از اعم امور مملکتی تعمیر طرق و شوارع است و ما باید بیک قسمت همه وقت خودمان را صرف اینکار و قشون بکنیم و نواقصی که دارد مرتفع کنیم شما هم خوب است این اندازه جدیت نداشته باشید که باین زودی بگذرد پس بهتر این است که این لایحه بر گردد بوزارت فوائد عامه و وزیر فوائد عامه بپایند بکمیسیون و آقایان هم که نظریاتی دارند تشریف ببرند و این کار خوب را ضایع نکنند مثلاً ما نوشته آید دو فرسخ بدو فرسخ بول بگیرند؟ آقا کجای دنیا معمول است که دو فرسخ بدو فرسخ بول بگیرد؟ این است که بنده بانظریات آقای نظام الدوله و سایرین پیشنهاد کرده ام این لایحه برگردد بوزارت فوائد عامه و مخارج سابقه و صورت حق العبوری که تابعال در یافت می شود و صورت خرجش را بیاورند به بینم آنوقت رای بدهیم اگر این راه پنجاه هزار تومان خرجش شده چرا باید در سال چهارده هزار تومان گرفت آنوقت هم سالی شش هزار تومان آنرا بیک مهندس بدهم در صورتی که دوازده فرسخ بیشتر نیست و سالی دوروز یا چهارروز مهندس بیشتر کار ندارد بنده می بینم که برای اینکار پنج اداره تشکیل داده اند یکی طهران یکی دماوند یکی چابگرد یکی بومهن که از هر کدام از آنها ما بخواهیم بیاید یک تفرقه بگیرد اینطور نمی شود فقط یک اداره می خواهد آنهم سر پل چابگرد که هر کس می خواهد برود بیاید در آنجا تفرقه بگیرد که هم اسباب سهولت

عابری باشد و هم عایدات داشته باشد باین واسطه بنده پیشنهاد کردم که صورت جمع و خرج آن بیاید تا ما بصیرت پیدا کنیم و از روی بصیرت اینکار را انجام دهیم

فهیم الملک - مخبر کمیسیون - فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند که این لایحه بر گردد به هیئت دولت بنده عرض می کنم هر وقت دیگر که این لایحه مجدداً بمجلس بیاید بین مذاکرات عیناً خواهد شد آمدن در مجلس در شور اول برای همین است که این مذاکرات که شود و نظریات آقایان نمایندگان معلوم شود برای اینکه در شور دوم نواقص آن در کمیسیون اصلاح شود و بمجلس بیاید و اینکه فرمودند برای این راه چنانچه مجلس و اداره قرارداد اند در صورتیکه این طور نیست در طهران و در دماوند برای این کار اداره تاسیس نشده و فقط در سه نقطه بین راه مامورینی هستند که حق العبور اخذ می کنند این راه هم تصدیق می فرمائید که نباید تمام مسافری را مجبور کرد که تمام حق العبور بدهند برای این که بعضی مسافری در بعضی از قسمت های و بین راه مسافرت می کنند و نباید اشخاصی که در این قسمت های کوچک عبور می کنند حق العبور تمام مسافت را بپردازند راجع بصورت های جزء که فرمودید خواسته بشود اگر چه وظیفه مجلس نیست و معمول نیست که صورت جزء و صورت اجزاء بمجلس بیاید ولی ممکن است اگر لازم بدانند بخواهند و ملاحظه فرمائید و اینکه می فرمایند مهندسی سالی یک مرتبه یا ماهی یک مرتبه بیشتر لازم نیست برود راه را بازدید کند خیر این طور نیست؟ باید مهندس سر پل باشد و الان مهندس سر پل بومهن منزل دارد و برای این که متصل برود دماوند بر می گردد بطهران و راه را رادر تحت نظر می گیرد که خوب ساخته شود و خرابی پیدا نکند این که آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند با هزار و شصت تومان یک فرسخ راه آهن می شود ساخت

مدرس - بنده تصدیق دارم ولی عرض می کنم ما چون قانون هائی که وضع کرده ایم همینطور ها سهل انگاری کرده ایم که حالا اسباب زحمت ما شده است مثلاً یک قانونی وضع کردیم برای اینکه در شهرها توافق بگیرند و خرج آنها بکنند حالامی بینم در وسط بیابان نوافل میگیرند بهر جهت باز عرض می کنم این وجوهی که از مردم گرفته می شود باید دقت کرد که

بمنفع خود آنها مصرف شود و حیف و میل نشود بنده عرض کردم خوب است این لایحه فرستاده شود بوزارت فوائد عامه نه اینکه کمیسیون فوائد عامه و بعقیده من اگر بوزارت فوائد عامه برود که در آنجا دقتی بشود بهتر است و اهمیتی هم ندارد سه چهار روز دیگر مجدداً بمجلس بیاید و به آن رای بدهیم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت می شود و رای می گیریم

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

بیشتر از این می شود بنا بر این اگر آقایان در نظر دارند که این لایحه به گذرد و اصلاح شود راهش این است که عجلتاً شوراولش تمام شود و پیشنهاداتی هم که می خواهند بکنند تا کمیسیون نوافصی را که لازم می بیند ضمیمه کند و برای شور دوم اصلاح شود بمجلس بیاید و رای بدهند

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت می شود و رای می گیریم

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

بنده راجع باین پیشنهاد عرضی دارم

رئیس - عضو کمیسیون هستید؟

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - آقای مدرس فرمودند که یک راه دارد در سر پل چابگرد کفایت می کنند . . .

رئیس - راجع باین مطلب نیست راجع بپیشنهاد باید بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - راجع بپیشنهادات عرض می کنم کمیسیون این دقت را کرده است و نمی شود یک راه در سر پل چابگرد قرار داد و برای این که یک اشخاصی تا دماوند می رود و یک عده تا پل چابگرد یا بومهن می روند و دلیل ندارد اشخاصی که تا پل چابگرد می روند تمام حق العبور را بدهند این که پیشنهاد کرده اند صورت مخارج سابق بکمیسیون زامده است آن ها هم آمده و کمیسیون در اطراف آن دقت کرده و حالا اگر آقایان نظریاتی نسبت باین لایحه دارند خوب است شور اول را تمام کنند و در شور ثانی مذاکره شود لان دو ساعت وقت مجلس صرف این کار نده حالا عایدات این چهارده هزار تومان فرضاً بیست هزار تومان باشد این ربطی باین مسئله ندارد دو ساعت وقت مجلس صرف این مطلب شود حالام بر گردد مجدداً که آمد بمجلس یک مقدار دیگر اوقات صرف این خواهد شد ممکن است حالا اگر آقایان نظریاتی دارند اظهار کنند اصلاح شود

مدرس - بنده تصدیق دارم ولی عرض می کنم ما چون قانون هائی که وضع کرده ایم همینطور ها سهل انگاری کرده ایم که حالا اسباب زحمت ما شده است مثلاً یک قانونی وضع کردیم برای اینکه در شهرها توافق بگیرند و خرج آنها بکنند حالامی بینم در وسط بیابان نوافل میگیرند بهر جهت باز عرض می کنم این وجوهی که از مردم گرفته می شود باید دقت کرد که بمنفع خود آنها مصرف شود و حیف و میل نشود بنده عرض کردم خوب است این لایحه فرستاده شود بوزارت فوائد عامه نه اینکه کمیسیون فوائد عامه و بعقیده من اگر بوزارت فوائد عامه برود که در آنجا دقتی بشود بهتر است و اهمیتی هم ندارد سه چهار روز دیگر مجدداً بمجلس بیاید و به آن رای بدهیم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت می شود و به آن رای

می گیریم

مجدد اقرائت شد

رئیس آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد چون در دستور چیزی نیست جلسه را ختم می کنیم جلسه آتی روز ه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور اولاً تقاضای هزار و پانصد تومان اعتبار برای تهیه اثاثیه محاکم رشت ثانیاً لایحه قرارداد پیش بین المللی منعقد در مادرید

(مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۰۴

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه ۲۵ جوزا ۱۳۰۱ مطابق هیجدهم شوال ۱۳۴۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و سه جوزا را آقای منتظر الملک قرائت نمودند)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در صورت مجلس آنجا که نوشته شده سه فقره پیشنهاد از طرف آقایان مدرس و نظام الدوله و بنده شده ضمناً نوشته شده است که آقای نظام الدوله با پیشنهاد آقای مدرس موافقت کردند

این مطلب چنین می فهماند که بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافقت نکردم در صورتی که نوبت بنده نرسید چیزی عرض کنم ولی بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافق بودم

رئیس - اصلاح میشود آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - آقای سردار چنگ که در جلسه گذشته حاضر نشدند مریض و بستری بودند و بواسطه این عذر موجه نتوانستند بیایند و در صورت مجلس ایشان را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند

رئیس - چون اطلاع نداده اند این طور نوشته شده. حالا که اطلاع دادید اصلاح میشود آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - در صورت مجلس اینطور بگوش بنده خورد که نوشته شده بنده عرض کردم چون این مالیات راجع میشود بفقرا نگیرند

خاطر آقایان را تذکر میدهم که بنده مثل زدم برآه شوسه هراق و قم که کعبانی در آن راه سرمایه خرج کرده بود و راه را